



دایی همراه اما سربار

آقای رجبی، باتوجه به صحبت‌هایی که در مورد گارد چهره‌ها نسبت به ورود جوان‌ها مطرح می‌شود چه شد پندیرفتید در کاری که بیشتر گروه‌آن جوان هستند بازی کنید و جزو تک چهره‌های سریال باشید؟

مهران رجبی (بازیگر نقش دایی): اصولاً وقتی به ما زنگ می‌زنند سوال می‌کنیم بازیگران اثر چه کسانی هستند؟ مثلاً صبح از اصفهان و چهارمحال و بختیاری برای دو سریال تماس گرفتند و من همین را پرسیدم تا بنا به پاسخ‌ها تصمیم بگیرم. برای آثاری که در تهران است این سوال رانمی‌پرسم. می‌پرسم کارگردانش کیست؟ و کجای تهران کار می‌شود؟ چون خودم کرج هستم و می‌خواهم بدانم کدام منطقه از تهران است یا اصلاً خارج شهر است یا نه؟ مثلاً کارهای آقای امهام معمولاً سمت بلوار ارتش است و آن زمان که کرونا نبود برای سریال‌های نوروزی رفت وآمد به آنجا از ۱۵ اسفند به بعد واقعا برایم سخت می‌شد و مجبور بودم در لواسان خانه اجاره‌کنم تا راحت‌تر سر صحنه بروم. با تمام این‌ها هیچ‌وقت در عمرم برای بازی در فیلمی که حتی کارا ول کارگردانش است، گارد نگرفتم. من اولین کار تصویری که انجام دادم با یک کارا ولی بود. سیدرضا میرکریمی تاآن موقع فیلمی نساخته بود. یک نکتۀ دیگر که می‌خواستم

اضافه کنم این‌که در دو سال اخیر در هیچ کاری با بنده تسویه حساب نشده است. در «وضعیت زرد» تسویه حساب شد و باید تشکر ویژه کنم.

البته شما تجربه خوبی در همکاری با کارا ولی‌ها داشتید. میرکریمی کم‌کم تبدیل به کارگردانی شناخته‌شده شد. بله، اگر از حافظ هم می‌پرسیدند کدام کارت در دوست داری، نمی‌گفت همه شعرهایم مثل بچه‌هایم هستند و ممکن بود یکی را انتخاب کند. از من، شما و همه که بررسی در کارنامه آقای میرکریمی هم کارهای سنگین و سبک وجود دارد. اشعاری که در سال در کشور سروده می‌شود، چهارتایش به اصطلاح می‌ترکاند و بقیه‌اش ممکن است دیده نشود یا شاعرش چاپ هم نکند. کارهای نمایشی هم همینطور است. برای این کار وقتی دوستان تماس گرفتند دیدم می‌پسندم با کسی کار کنم که با او هم خط و هم فکر هستیم. این واقعا برایم ملاک است. ممکن است کارهای دیگر هم انجام دهم، ولی اگر هم خط باشیم برایم دوصد خوش‌تر است. بچه‌های این کار همه خالص و به قول امروزی‌ها دلوپس هستند که البته این روزها معنای بدی پیدا کرده، اما آخرش کشور دلوپس‌ها به درد نجات هم می‌خورند.

شخصیت دایی همانقدر که حامی و همراه سعید است، سربار زندگی او هم هست و برای هر کاری سرش منت می‌گذارد. نگاه خودتان به

این شخصیت چگونه است و چقدر شبیه او را دیده‌اید؟
اگر مثل این شخصیت را ندیده باشی هم می‌توانی بازی‌اش کنی. البته یکی از دوستان برایم نوشته بود یک دایی دارم کپی خودت در «وضعیت زرد». گاهی دایی می‌خواهد سربه‌سر خواهرزاده‌اش بگذارد و چنین کارهایی می‌کند. من با این نقش خیلی حال کردم. دایی قصه غم می‌زند، منت می‌گذارد و یک جورهایی می‌خواهد به سعید بگوید اگر من نباشم تو از پس خودت برنمی‌آیی. هر چقدر بیشتر این حرف‌ها را می‌زند، برای مخاطبان لچ درآورتر هم می‌شود.
شما در همین نشست هم بداهه‌گویی‌های در لحظه و بامزه‌ای دارید. در این کار هم تکیه کلام‌هایی مثل «روی هیکلم حساب کن» می‌گویید که برای خودتان است. چقدر به نقش دایی اضافه کردی؟
به نظر من یک نویسنده نمی‌تواند برای همه دهان‌ها بنویسد. کارهایی داشت که کارگردان اصرار داشت عین دیالوگ‌های متن را بگویم و ما هر چه خواستیم متناسب با خودمان تغییر دهیم اجازه نداد. هر کسی هم خروجی را دید، نپسندید. البته می‌گویند این هم شیوه‌ای در کار است؛ ولی اگر شیوه‌ای بد باشد باید عوض شود. از اینجا به آقای عیاری درود می‌فرستم که بسیار از این فرصت استفاده می‌کند و گاهی از بازیگر می‌خواهد که متناسب با حس و حال شخصیتش در آن لحظه چیزی بگوید. سریال «پایتخت» هم بیش از داستان روی توانایی و شیرین‌گویی بازیگران جلو می‌رود.

نمونه‌های خوب آن مثلاً نیروهای امنیتی، نمونه طنز آدم‌های این جنسی را نداشتیم. ما به نفع هدمان، کلیشه‌های تلویزیون را کنار گذاشتیم. به نویسنده گفتیم خود سانسوری نکن. این‌که می‌گویم آسیب‌شناسی فضای تلویزیون ما در حوزه دین است. آنچه عموما از دین در سریال‌ها نشان دادیم منزّه، مقدس، محافظه‌کار و گوشه‌گیر است. مثلاً در این کار ما گفته بودیم که سعید به عنوان یک دانشمند هسته‌ای که فرزند شهید و از شاگردان شهیدشهریاری است، قرآن روی میزش باشد اما یکی از دوستان صحنه می‌گفت چون این سکانس طنز است احتمالاً نمی‌گذارند قرآن روی میز نشان داده شود و حذفش می‌کنند، پس هیچ‌المان دینی نباشد که یک موقع هتک حرمت نشود. میزان با احتیاط با دین برخورد کردن و آن را دور از زندگی روزمره نشان دادن گاهی زیاد می‌شود. آن وقت کارهای طنزی داریم که با همه شووون زندگی شوخی می‌کند ولی زندگی دینی را نشان نمی‌دهد. فوقش شخصیت می‌رود در اتاقش و در یک سکانس احساسی با نور آبی که به فضا داده می‌شود نمازش را می‌خواند و وقتی تمام شد، دوباره زندگی و شوخی جریان پیدا می‌کند. ما می‌خواستیم این نگاه را بشکنیم، اتفاقاً خواستیم بگویم نگاه قبلی تعریف سکولار از دین است که می‌گوید دین فقط در جای خودش باشد. ما خواستیم بگویم اتفاقاً دین باید در همه شوون باشد. مگر ما در حیات و مسجد شوخی نمی‌کنیم؟ مگر تکیه کلام‌هایی مثل «ما را دور ننداز» وارد شوخی‌های ما نشده است؟ چرا اینها را حذف کنیم؟ در بازنمایی رسانه‌ای ما که باعث ضریب گرفتن و واقعیت‌سازی می‌شود، چرا این موارد باید کنار برود؟ خواستیم در حدی که بلدیم زیست و واقعی قشر مذهبی را نشان دهیم. البته چون نمونه‌ای در رسانه نداشتیم خیلی دست‌ودلمان می‌لرزد که خوب درمی‌آید یا نه. می‌ترسیدیم شوخی‌هایمان همپای بیان این حرف‌ها درنیاید و کسی نخندد.

ممکن است برای درآوردن شوخی‌ها باز مسیر به سمت کلیشه‌های جواب داده‌کج

شود.

شما هم دچارش شدید؟

بامروت‌نژاد: سعی کردیم نباشد. یکی از لغزش‌ها در بازنمایی چنین شخصیت‌هایی لغزیدن به سمت کلیشه‌هاست. یکی از نگرانی‌ها در مورد شخصیت فرزانه همین بود. سختی کار خانم داورزنی و بقیه بچه‌ها این بود که به سمت کلیشه‌ها نروند. یکی از مولفه‌های زندگی دیندارانه، خلوت و جلوت داشتن است. در مورد پوشش هم تاکید روی این تضاد را داشتیم که او موقع حضور در جمع نوع پوشش و برخوردش یک جور دیگر و متناسب با دختری دیندار باشد و مثلاً در سکانس‌هایی که فقط با سعید است، لباس رنگ شادتر بپوشد.

خانم داورزنی، ابتدا و وقتی با پیشنهاد بازی در نقش دختری مذهبی مواجه شدید فکر می‌کردید قرار است کلیشه‌ها تکرار شود؟ داورزنی: واقعا نه چون همه چیز درباره شخصیت فرزانه جدید بود. فرزانه در عین حال به شدت اجتماعی است. در نشست‌ها شرکت می‌کند، سلیقه امروزی دارد و پیشنهاد خریدهای جذاب به سعید می‌دهد.



تعامل نگارشی

آقای عموکاظمی، موقع نوشتن قصه و شکل گرفتن شخصیت‌ها در متن چقدر با بازیگران تعامل داشتید؟

علی عموکاظمی (نویسنده): موقع نوشتن متن با بازیگران تعامل نداشتم. بعد از آن بازیگران و کارگردان بودند که تغییراتی را اعمال کردند. این کار به استندآپ کمدی نزدیک است و به همین خاطر، کاشت و برداشت دارد. اگر کاشت یا برداشت را درست انجام ندهید شوخی خراب می‌شود.

زین‌العابدین تقی‌پور (بازیگر نقش سعید): بعضی‌ها می‌گویند فیلمنامه ما بچه ماست، ایشان هر کلمه فیلمنامه بچه‌اش است! (می‌خندد)

رستگار: بچه‌ها هم در یکسری قسمت‌ها با تعامل، تغییراتی دادند. به هر حال این اتفاق می‌افتد چون شرایط نویسنده ممکن است با شرایط تولیدی متفاوت باشد. در لحظه و باتوجه به میزانسن‌هایی که می‌دادیم گاهی با پیشنهاد خودمان یا بچه‌ها یکسری چیزها برای بهتر شدن تغییر می‌کرد. البته سعی کردیم آسیبی به متن نرسد. **تقی‌پور:** یک دوره تمرین قبل از تولید داشتیم که تعامل در آن دوره اتفاق افتاد. علی‌آقا در این تمرین که با حضور آقای شهبازی (بازیگردان) بود، حضور داشت و گاهی بخش‌هایی را تغییر می‌داد یا اضافه می‌کرد. این تعامل خیلی به نزدیک شدن

تسلیت معاون امور استان‌های رسانه‌ملی برای درگذشت مدیرکل مرکز سمنان

معاون امور استان‌های رسانه‌ملی در پی‌امی، درگذشت مدیرکل صداوسیما ی مرکز سمنان را در اثر کرونا تسلیت گفت. به گزارش جام‌جم، در بخشی از این پیام آمده است: «ارتحال دوست و همکار گرامی، حجت‌الاسلام شیخ مصطفی توکلیان، مدیرکل محترم صداوسیما ی مرکز سمنان، موجب تأثر و تألم خاطر

شد. اینجانب این مصیبت را به ریاست محترم سازمان، مدیران کل محترم، خانواده معزز آن مرحوم به‌ویژه همسر و فرزندان گرامی و همکاران عزیز در صداوسیما ی مرکز سمنان تسلیت می‌گویم و از درگاه خداوند متعال برای آن عالم وارسته که عمر پربرکت خود را وقف ترویج معارف اسلامی و تعالیم نورانی

اهل بیت(ع) و خدمت به کشور کرد علو درجات و همجواری با صالحان و برای عموم بازماندگان صبر و سلامتی مسألت دارم». همچنین محمد اسفندیاری، تهیه‌کننده تلویزیون که در برنامه‌های «صبح‌بخیر ایران» و «سیمیای بامدادی» فعالیت داشت هم ۱۳ مرداد بر اثر کرونا درگذشت.

گفت‌وگو با بازیگران و عوامل «و

تلاش کردیم انحصار را

سریال وضعیت زرد که پخش آن امشب به پایان رسید، سعی داشت با روایت طنزانه قصه‌چند جوان، نقبی هم به شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بزند. قصه‌های این مجموعه در قالب کمدی موقعیت روایت می‌شدند که به سیتکام شهره است. ماجرای این سریال با پیکار شدن جوانی به اسم سعید شروع شد که با وجود دانش و تخصص فراوان در حوزه فیزیک هسته‌ای ناچار است به پسرخاله و دو نفر از دوستانش در یک خبرگزاری پیبوند تا چرخ زندگی‌اش بچرخد.



جلوگیری می‌کند. اغلب فیلم‌های کمدی که سر کوتاه دارند و بازیگران طبق فضایی که کارگردا کملاً چیده و خط‌کشیده‌شده داشتیم که طنز می‌شد طنز کار از بین می‌رفت. یکی از مزایایی که است و دیالوگ‌های چیده‌شده‌ای دارد.

قبلاً برخی تجربه‌های ایرانی در این زمینه بودند نمی‌توان آنها را سیتکام به معنای واقه

این ریسک را کردید و چقدر موفق بوده‌اید؟

رستگار: در واقع تهیه‌کننده ریسک کرده و فکر صحبت کنیم. در این سال‌ها انواع و اقسام طنزهای فارسی خودمان گرفته تا طنزهایی که اص حال این ذاتقه‌سازی صورت گرفته که گاه ماست که برای مخاطب ذائقه بسازد. اگر این کار درست انجام شود تهیه‌کننده، بازیگران و عوامل دیه مقابلش گارد نمی‌گیرند و آن را می‌**بامروت‌نژاد:** کار واقعاً ریسک داشت تا می‌دادیم که در نیاید و لازم باشد **تعداد کم قسمت‌ها هم به خاطر بامروت‌نژاد:** یک دلپیش همین بود کردیم که قابل سنجش و قلق‌گیری که کار نزدیک تولید پخش شد تا فصل‌های بعدی را درست‌تر از گرفتیم در قالب سیتکام کار را نمونه‌های موفق و شکست‌خور کریم. با نویسنده و تیم تولید ی داخلی درباره این که چه شد این زدیدم. کاملاً واقف بودیم که ند

تهیه‌کنندگانی می‌مانند که می‌گویند باید در کارهایمان چهره باشد. این موضوع فضای انحصار را برای سلبریتی‌ها به معنای منفی ایجاد می‌کند. راهکارش این است که به این بازیگران هم قانع نشویم. شما باید مدام بازیگر جوان وارد کنی تا فضای ما از انحصار سلبریتی‌ها به معنای بدش خارج شود. این به می‌گوید که اگر تو ناز کنی، صدا تو پشت خط ایستادند جایب بپایند. انحصار در هر زمینه‌ای فسادزا است. در هر کار بازیگری، تهیه‌کنندگی و... اگر انحصار شکل بگیرد محل آمه عده شکل می‌گیرد. به این معنا به نظرم یک معضل رسانه‌ای است که در متن و شوخی‌های مان آنها را دست انداخته‌ای موضوع، ما با سلبریتی به معنای چهره شناخته‌شده زاویه نه می‌شود کار جذاب که از لحاظ محتوایی هم درست باشد. ه اعتمادبنفس را ایجاد کنیم که می‌شود از نیروهای تازه نفه کرد و سد را شکست. اگر این کار فقط چنین اعتمادبه‌نفسی و همکاران ما بدهد هم خیلی خوب است.

رستگار: اگر می‌بینید حال خوب این بچه‌ها هنوز ادامه د ولایت تهیه‌کننده است. یکسری جوان هدفمند را که به د آمدن از پشت دیوار بلند سلبریتی‌ها بودند، گرد هم آور هم تشکر می‌کنم چون اگر می‌خواست سخت‌گیرانه کار حیف می‌شد. امیدوارم درچه‌ای برای ساخت کارهای باز شده باشد.

چرا سیتکام؟

در سیتکام معمولاً تعداد لوکیشن‌ها کمتر است. می‌شود گفت به خاطر کم کردن هزینه‌ها سراغ

این فضای برای ساخت وضعیت زرد رفتید؟

حامد بامروت‌نژاد (تهیه‌کننده): حدود یک‌سال و نیم پیش سراغ این رقتیم که کاری در حوزه طنز بسازیم. این به سه ساقه هفت‌هشت ساله باشگاه طنز انقلاب برمی‌گشت که آقای محمدرضا شهبازی و دوستانشان ایجاد کرده بودند. پیشنهاد شد به طنز دراماتیک و نمایشی ورود پیدا کنیم. برایمان جالب بود که جامعه متدینین را در قالب طنز بازنمایی کنیم. معمولاً این کار در کارهای سیاسی، پلیسی، امنیتی و... شده و کمتر در حوزه کارهای اجتماعی طنز بازنمایی‌شده بودند. **شاید خیلی وقت‌ها هم تصویر درستی در این آثار از آنها ارائه نشده است.**

بامروت‌نژاد: دقیقاً. البته این موضوع قصه مفصلی دارد که در ادامه به آن می‌پردازم. قالب سیتکام چند مزیت داشت که به فضای کار ما می‌خورد. یکی‌اش کم‌هزینه بودن آن است. از طرف دیگر جنس کار سیتکامی به گونه‌ای است که فرآیند تولید آن زمان کمی می‌برد. ما به نرم‌افزاری رسیدیم که هر دو روز می‌توانستیم یک قسمت تولید کنیم. خواست ما این بود که کارمان ماسا با جامعه باشد و وجه رسانه‌ای اثر هنری برایمان مهم بود. فاصله نگارش و مصرف مخاطب در قالب سیتکام کم است و به همین دلیل می‌توانست به‌روز بودن خود را حفظ کند. علاوه بر این چون سیتکام پی‌رنگ اصلی ندارد، شخصیت‌ها پیشانی مواجهه با مخاطب هستند. به همین علت قصه‌کم نمی‌آورد. می‌توانی با این شخصیت‌ها قصه‌ها متفاوت و متنوعی را روایت کنی. می‌بینید سیتکام‌های معروف دنیا تا ۲۰۰ قسمت یا مثلاً «فرندز» تا ۱۰سال پیش رفته است. همچنین با این فضا می‌توانیم چهره‌های جوان با استعداد را به سینما و تلویزیون معرفی کنیم. در آخر سیتکام به علت شخصیت‌محور بودن خیلی برای انتقال حال و هوا خوب است برای مثال چیزی که از برخی سیتکام‌های معروف دنیا در خاطرتان هست، قصه‌ها نیست بلکه آن حال و هوا و سبک زندگی آدم‌هاست. پس برای ما به خاطر بازنمایی که می‌خواستیم از جامعه دینی ارائه دهیم خیلی قالب سه‌ل الوصولی بود.

مجید رستگار (کارگردان): در این کار، طنز، دیالوگ‌محور مدنظر ما بود و این طنز باتوجه با فضایی که نویسنده ایجاد می‌کند از لوده‌بازی و شوخی‌های رایج در طنز

موضع ضد سلبریتی «وضعیت زرد»

در سریال شما موضع ضد سلبریتی خاصی دیده می‌شود؛ چه در انتخاب بازیگران که غالب نقش‌های اصلی را به بازیگران غیرچهره سپرده‌اید و چه در شوخی‌های قسمت‌های مختلف سریال مثل مردن گر به یکی از سلبریتی‌ها و... چرا این همه ضدیت؟

بامروت‌نژاد: سلبریتی دو معنا دارد. یکی معنای بدی است که از این واژه داریم و به کسانی برمی‌گردد که به واسطه چهره شدن در یک حوزه در دیگر حوزه‌های تخصصی نظر عام می‌دهند و جایگاه رهبری اجتماعی پیدا می‌کنند. قصدمان دوست‌انداختن این نگاه است. سلبریتی یکی از رویکردهای نقد اجتماعی ما بود. یک معنای سلبریتی هم یک بازیگر شناخته‌شده دوست‌داشتنی است که ما با آن مساله‌ای نداشتیم. حضور آقای مهران رجبی که یک سلبریتی به معنای خوب آن در جامعه ماست، این موضوع را نشان می‌دهد. اما چرا در گروه بازیگران کمتر از چهره‌ها استفاده کردیم؟ چون فکر می‌کنیم آفت گریبانگیر فضای رسانه‌ای ما به‌خصوص تلویزیون، این است که فرمان کنترل فضای رسانه‌ای دست آن بخش منفی سلبریتی‌ها افتاده است. متأسفانه وقتی فضای هنری و مدیریتی ما هم وابسته به این افراد می‌شود فرمان بیشتر دستشان می‌ماند. متناسب با این نقد که به فضای تلویزیون و رسانه داشتیم قصدمان این بود که بگویم با بازیگران جوان هم می‌شود کار کرد. جوانانی که در «وضعیت زرد» هستند هرکدام سابقه بالای ۱۰ تا ۱۵ سال نتاثر دارند. این افراد سواد، توان و انگیزه دارند، اما همیشه پشت نگاه مدیران و